



# حکمتیست ۶۵

۱ ژوئن ۲۰۱۵ - ۱۱ خرداد ۱۳۹۴  
دوشنبه ها منتشر میشود

## آگهی چاپ آثار منصور حکمت

به مناسبت هفته حکمت، چاپ دوم منتخب آثار شماره ۲ حاوی ۹۰۰ صفحه از مباحثات منصور حکمت منتشر شد. علاقمندان میتوانند با پرداخت معادل ۲۵ پوند یا پرداخت مستقیم آن به واحدهای محلی حزب در کشورهای مختلف، با در اختیار قرار دادن آدرسی برای ارسال کتاب، منتخب آثار شماره ۲ را دریافت کنند. برای درخواست کتاب مستقیم میتوانید از طریق آدرس الکترونیکی حزب اقدام کنند.

دبیر خانه حزب حکمتیست - خط رسمی

اول ژوئن ۲۰۱۵

ادرس پست الکترونیکی:  
hekmatistparty@gmail.com

## کابوس در راه است!

مصطفی اسدپور



پروسه توافقات هسته ای با امریکا از همان آغاز مذاکرات به دو مرحله تقسیم گردید. دور اول برای کسب توافقات که در لوزان با موفقیت همراه بود و دور دوم جهت رسمیت بخشیدن به توافقات و امضا قرارداد. پیش بینی این فاصله بخصوص بخاطر طرف حساب ایرانی مذاکرات لازم بنظر میرسید. قرارداد و امضای پای آن کدام بخش از آپارات قدرت را پشت خود دارد و بعلاوه آیا از پشتوانه اجرایی لازم برخوردار هست؟ از هفته آینده دور دوم توافقات بطور جدی آغاز میگردد. جناحهای مختلف و ارگانهای رنگارنگ حکومتی و کل فضای سیاسی ایران سه ماه فرصت یافتند بدون چوب دستی "اهریمن امریکا" روی پای خود بایستند. در سی سال اخیر نظم و قانونمندی و تولید آن جامعه در تقابل با امریکا شکل داده و توجیه شده است. شاید باورش سخت باشد، اما این دو ماه در حکم جام جهان نمایی عمل کرد که در تقاطع سریع رویدادها تصویر تقریبا خوانایی از جمهوری اسلامی بعد از "مرگ بر امریکا" را بدست بدهد. تشخیص مولفه های این آینده چندان دشوار بنظر نمیرسد.

### • ترس از مردم

کابوس جناحهای رژیم از ناراضی مردم تمامی ندارد. همانقدر که عمق این کابوس متحدشان میسازد به همان اندازه آنها را در مقابل هم قرار میدهد. اختلافات میان احمدی نژاد و روحانی، اختلافات میان مجلس و دولت، اصلاح طلبان و تندروها و امثال در زمینه سیاستهای اقتصادی و یا حقوق اجتماعی شهروندان را باید از نوع مسخره ترین "اختلافات" در بازیهای رقت آور پارلمانی دنیای امروز نامید. در این سه ماهه نشان دادند که تغییرات فضای سیاسی و اقتصادی در ایران هر چه که باشد، فارغ از دوستی و یا دشمنی با امریکا ربطی به آزادیهای سیاسی و یا آزادی تشکلهای کارگری و یا حجاب اجباری نخواهد داشت. ... ص ۲

## محمود صالحی آزاد شد!

خالد حاج محمدی



محمود صالحی که به ناراحتی شدید کلیوی دچار است، بعد ۳۲ روز و دوبار دیالیز بدلیل ممانعت از دسترسی به داروهایش، شنبه نهم خرداد برابر با ۳۰ مه ۲۰۱۵ از زندان آزاد شد. وی همراه با دهها فعال کارگری از تهران و سنج تا مهاباد و ... قبل از اول مه و به عنوان اقدامی پیشگیرانه جهت ممانعت از هر تجمع کارگری دستگیر شدند و هنوز هم تعدادی از آنها در زندان اند.

این در شرایطی است که جناب محبوب و همپالگی هایش در خانه کارگر، به نام روز کارگر ... ص ۲



## بدون حکمت نمیشود! به مناسبت هفته منصور حکمت

مظفر محمدی

طبقه کارگر و چپ ایران را از توهم به بورژوازی ملی و مترقی برحذر داشته بود. او بطور مشروحی روشن ساخته بود که بورژوازی ملی و مترقی دیگر وجود ندارد و تنها نیروی محرکه انقلابات این دوره اگر بخواهد منافع طبقه کارگر و زحمتکشان را نمایندگی کند، بلاواسطه انقلاب کارگری است.

تشکیل حزب کمونیست ایران با برنامه کمونیستی روشن و نیروهای شرکت کننده اش می بایست منافع تام وکمال طبقه کارگرا نمایندگی و به امر افق انقلاب کارگری کمک کرده و در خدمت آن قرار گیرد. ... ص ۳

این هفته را (۴-۱۱ ژوئن) حکمتیستها، هفته منصور حکمت می نامند. حکمت در تاریخ جنبش کمونیسم کارگری چند دهه اخیر عجین است. تشکیل حزب کمونیست ایران در شرایطی که چپ ایران بعد از انقلاب ۵۷ به یک سردرگمی مرگبار در توضیح انقلاب و نتایج آن دچار بود، نقطه عطفی در تاریخ آندوره است. زمانی که حکمت به ایجاد حزب کمونیست ایران اقدام کرد که قبل از آن موقعیت انقلاب، نیروهای شرکت کننده در آن و جایگاه پرولتاریا و بورژوازی را توضیح داده و

آزادی برابری حکومت کارگری

به کمک همان کسانی که چنین بلایی را سر محمود صالحی آورده اند، با امکانات فراوان، جمعیتی کرایه ای را به تهران گسیل دادند و بانرهای از پیش آمده را در دفاع از دولت روحانی به گردنشان آویزان کردند. بدون شک این اولین و آخرین باری نیست که شاهد اقدامات شیعی و ضد انسانی در حق محمود صالحی و سایر فعالین کارگرمی هستیم که زبان به اعتراض علیه بی حقوقی طبقه کارگر گشوده اند. این اقدام شیعی تکرار اعمالی است که علیه اسانلو، رضا شهبابی و هزاران زن و مرد حق طلب و انسان دوست مداوما تکرار شده است.

کسانی که دیروز به فرمان خمینی، خالخال، لاجوردی، رفسنجانی، خامنه ای و خلیل جنایتکاران دیگر، دهها هزار انسان حق طلب و معترض را اعدام کردند، کسانی که گله حزب الله را افسار گسیخته در خیابانها برای قمه زنی و اسید پاشی رها کرده بودند، امروز و زمانی که جامعه چنین اعمالی را تحمل نمیکند، در شکل دیگر و به شیوه ای دیگر جنایاتشان را دنبال میکنند. توقع اینکه این جانیان در حق کارگر مبارز و هر انسان شرافتمندی که منشا دفاع از شان و حرمت انسان باشد، کسانی که منشا دوستی و اتحاد در میان کارگران اند، کاری جز بازداشت، زندان و پرونده سازی و جنایت از دستشان برآید، در بهترین حالت توهمی احمقانه است. اگر جمهوری اسلامی با بیش از سه دهه حاکمیت بر جامعه ای ۷۰ میلیونی بخش اعظم انسانها را از ابتدایی ترین حق و حقوقشان محروم کرده است، تا عده ای قلیل کیسه هایشان پرتر شود، این امر با اتکا به جنایت، چاقوکشی،

اسیدپاشی، زندان و ترور در کنار شبکه مساجد و امامان و دهها هزار مبلغ مرتجع مقدور شده است.

ممانعت از چنین اعمالی در جمهوری اسلامی، ممانعت از انسان ربایی، از شکنجه و زندان و دستگیری فعالین کارگری و آزادیخواهان، تنها در گرو اعتراض وسیع و همه جانبه طبقه کارگر و کل محرومان آن جامعه، کل زنان و مردان شرافتمندی است که برای شان و کرامت انسانها حرمتی قائلند. اگر در شهر سقز، وقتی که ماموران رژیم محمود صالحی را با زور میبردند و بازداشت کردند، مردم محل در اعتراض به این ناحقی، در مقابل مزدوران مرکز اطلاعات صف می کشیدند، اگر صدها نفر از مردم محل به جای بغض کردن و بد و بیراه گفتن به جمهوری اسلامی در انزوای خود، جمع میشدند و همراه محمود به دادگاه و زندان و اطلاعات میرفتند، اگر ورودی زندان سقز و سندانج به محل تجمع هزارن انسان شرافتمند تبدیل میشد، قطعاً نه تنها محمود صالحی را در چنین شرایطی قرار نمیدادند، که جسارت دستگیری و احضار یک نفر را هم نمیداشتند. راه ممانعت از چنین اعمالی، راه نجات صالحی، شهبابی، ابراهیم زاده، نصراللهی، زمانی، احسانی، عظیم زاده، بدایغی و دهها انسان شرافتمند و حق طلب دیگر، صف متحد ما در شهر و محله و کارخانه، در مدرسه و دانشگاه و ... است.

اگر در شهر سقز و بعد از اطلاع از وضعیت محمود صالحی در محله ای، در مرکز شهر، در مقابل فرمانداری و هر مرکز مهم دولتی دیگر، هزاران نفر تجمع میکردند، و علیه اجحافات به محمود صالحی، علیه دستگیری و پرونده سازیهای رایج در حق او و هر کارگر معترضی، اعتراض

اینها، درست مثل همیشه، آزادی را برای جلسات و روزنامه های خودشان میخواهند؛ و در جایی که به "تحریک مردم برای اعتراض به نظام" منجر شده باشد، ابایی از چماقداری علنی حتی نسبت بهم ندارند تا چه رسد به مردم عاصی و آزادیخواه.

#### • جنگ بقا

رابطه با امریکا نه یک انتخاب بلکه یک اجبار اقتصادی نزد همه جناحهای جمهوری اسلامی قابل هضم است. اختلافات آنها بروشنی بر سر پروسه و چگونگی پیامدهای آن منطبق بر منافع و موقعیت جناح خود است. سیاست و تحولات سیاسی برای جناحهای رژیم یک کشمکش بر سر منافع مستقیم مادی خود آنها و یک جنگ بقا است. امروز به سختی میتوان مرزبندی جناحی را در قالبهای فکری تا الگوهای سیاسی از هم تفکیک کرد. اما در دنیای مادی گروه بندی هایی که هر یک به فونکسیونها و عرصه های معینی چنگ انداخته و از منافع مالی مشترکی ارتزاق میکنند روشن است. سپاه پاسداران، تندروها، اصول گرایان و کل آن الیت سیاسی شکل دهنده دولتهای خاتمی - احمدی نژاد - روحانی

میکردند، و خواهان آزادی فوری او میشدند، چنین اتفاقی به راحتی تکرار نمیشد. تصور کنید دهها مرکز کارگری در یک ساعت معین، در یک روز تعطیلی، در یک بعد از ظهر یقه مقامات دولتی را می گرفتند و اعلام میکردند که این توحش را نخواهند پذیرفت. آنوقت پلیس و اطلاعات و مسئولین دولتی مجبور میشدند که دست و پای خود را جمع کنند. برای چنین کاری لازم نبود نه بانکی را آتش زد و نه مرگ بر کسی گفت. کافی بود جمعیتی وسیع حتی

هر کدام بر نوعی از رابطه با امریکا تاکید دارند که از جمله منافع مادی خود را نیز برآورده سازد. اینکه این منافع چگونه در دنیای سیاسی فرموله میشود امری ثانوی است. به همین دلیل این کشمکشها مملو از دعوا و افشاجری از آب درمیآید.

#### • واقعیت گریزناپذیر سرمایه

اینکه حتی روابط با غرب تغییری در واقعیت فقر و بیکاری موجود نخواهد داد، خبری از اشتغال گسترده در میان نیست و دستمزد نازل و شکاف طبقاتی عمیق تداوم خواهد یافت؛ نگرانی و سخت گیری در میان جناحها را افزایش میدهد. نیاز به یک ایدئولوژی قابل اعتماد محسوستر است. یک ایدئولوژی که قدرت بسیج داشته باشد، با آن بتوان مرعوب ساخت. کشمش میان ناسیونالیسم ایرانی از یک طرف و هویت اسلامی از طرف دیگر به قوت خود باقیست. اما هر دو در تقابل با تهدید انفجار نارضایتی عمومی زیر بغل آن دیگری را میگیرد.

ناسیونالیسم ایرانی که در منتهی علیه دمکراسی خواهی بر احترام به عقاید اسلامی تاکید دارد و در مقابل اسلام از نوع ایرانی پافشاری بخرج میدهد؛ به این دوره تعلق دارند. ... ← ص ۴

بدون یک مرگ بر و زنده باد جمع میشدند و میگفتند دستگیری محمود صالی یا هر کس دیگری را تحمل نخواهند کرد. این تنها راهی است که میتواند دست سران و مسئولین و ارگانهای دولت ایران را بر زندگی و مبارزه فعالین کارگری کوتاه کند.

زور ما در صف اعتراض متحد ما است و تا زمانی که به این اهرم متکی نشویم شاهد چندین و چند باره اینگونه اعمال ضدانسانی و شیعی جمهوری اسلامی خواهیم بود.

## بدون حکمت ...

این در شرایطی است که بخش بزرگی از چپ ایران از قبیل حزب توده و چریک های اکثریت به خدمت جمهوری اسلامی در آمده و این رژیم را برآمده از انقلاب مردم و مترقی و انقلابی دانسته بود. و بخش دیگر ناتوان از توضیح آنچه که اتفاق افتاده بود دچار تشمت و استیصال بود. حزب کمونیست ایران می رفت تا به یک قطب کمونیستی در میان طبقه کارگر و زحمتکشان و آزادیخواهان ایران تبدیل شود. حزب کمونیست ایران همچنان می رفت تا حزب کارگران سوسیالیست و رهبران عملی کارگری ایران باشد. رهبرانی که سیاست و افق کمونیستی و کارگری حزب را به سیاست و افق خود تبدیل می کنند.

بعلاوه این تحرک تاریخی زمانی اتفاق می افتد که بلوک شرق فروپاشیده و بورژوازی غرب شیپور پایان کمونیسم و ازلی و ابدی بودن دمکراسی و بازار آزاد را نواخته بود. تشکیل حزب کمونیست ایران و متعاقبا کمونیسم کارگری در مقابل آوار فروپاشی بلوک شرق و ادعای شکست کمونیسم و پیروزی بازار بر سرمایه داری دولتی، در کمپ بورژوازی پیروز، پوچی ادعای شکست کمونیسم را به اثبات رساند و مدعی شد که کمونیسم در یک کشور و از جمله در ایران می تواند پیروز شود.

حدود سه دهه از آن تاریخ می گذرد و این ادعا و بویژه شیخ منصور حکمت بر فراز سر بورژوازی بویژه در ایران و منطقه در گشت و گذار است.

## بدون حکمت نمی شود!

تاریخ سه دهه اخیر کمونیسم و جنبش کمونیستی ایران را

هیچ انسان منصفی نمی تواند بدون درج نقش و جایگاه تعیین کننده ی منصور حکمت بنویسد. این را دوست و دشمن اذعان دارند. حکمت در بعد کشوری، کمونیسم را از زیر آوار سنت های غیرکارگری و غیر کمونیستی احزاب و جریانات وطنی از حزب توده و مائوئیست ها و پوپولیست ها و ناسیونالیستهای طرفدار رشد و توسعه سرمایه داری و بورژوازی ملی و مترقی، کمونیسم ملی و لیبرال ها و ... در آورد. در ابعاد بین المللی هم در حالی که کمونیسم زیر آوار شکست سرمایه داری دولتی بلوک شرق و شوروی کمرش خم می شد پرچم کمونیسم را بر افراشته نگه داشت.

از انوقت تا حالا خیلی چیزها تغییر کرده است. قطار زمان جلو می رود و منظره ها بسرعت عوض می شوند. منصور حکمت بحران خلیج و نظم نوین جهانی بورژوازی پس از فروپاشی بلوک شرق را طلوع خونین نامید. و بشریت اکنون در چنبره سناریوهای امپریالیستی پشت سرهم و خونین گرفتار آمده است. بورژوازی جهانی به سرکردگی امریکا، طبق یک نقشه آگاهانه با دخالتهای سیاسی و نظامی خود و سازماندهی باندهای سیاه قومی و مذهبی انقلابات بهار عربی را به جنگهای داخلی قومی و مذهبی تبدیل کرد. در نتیجه تصویری که مردم جهان امروز از انقلاب دارند، نه اجتماعات شورانگیز زنان و مردان کارگر و جوانان میدان تحریر مصر و موج شور و شوق آزادیخواهانه مردم خاورمیانه، بلکه تصویر حاکمیت نظامی ژنرال سیسی در مصر و سناریوهای سیاه و خونین در لیبی، سوریه، یمن، عراق و ... است.

هنوز هم کم نیستند مردمانی که سناریوی سیاه و خونین

خاورمیانه را نه نتیجه دخالتهای امپریالیستی بلکه از نتایج "شوم" انقلاب می بینند. به این ترتیب می بینیم که امپریالیسم امریکا و متحدین اروپایی و حامیان منطقه ای اش به اهداف پلید خود که ترساندن و پشیمان کردن کارگران و زحمتکشان و مردم آزادیخواه از انقلاب است، رسیده اند.

اتفاق دیگری که افتاده است، برسمیت شناختن جمهوری اسلامی از جانب دشمنان سابق خود، از جمله امریکا بعنوان شریک منطقه ای و دارای منافع مشترک است. به این ترتیب جمهوری اسلامی از محور شرارت به شریک و حامی دشمنان سابق خود دربرگرداندن آرامش و امنیت به منطقه تبدیل شده است!

این شرایط همزمان با تعرض وحشیانه بورژوازی جهانی به طبقه کارگر و عقب نشانیدن کارگران از دستاوردهای مبارزه طبقاتی شان است. بار بحران های اقتصادی بورژوازی تماما بدوش طبقه کارگر افتاده است. طبقه کارگر ایران بیش از هر بخش دیگر کارگران جهان در فقر و بیکاری و بیحقوقی کامل غوطه ور است.

در برابر این شرایط و رابطه کار و سرمایه در ایران و منطقه و جهان، دنیا بیشتر از هر زمان به حکمت نیاز دارد. بدون منصور حکمت نمی شود. در غیاب او جنبش کمونیستی کارگران در ایران و منطقه و جهان دچار تفرقه و پراکندگی و بی افقی و تشمت است. کمونیسم به هر میزان از حکمت فاصله گرفته و کمونیستهای ایران به هر درجه به حکمت پشت کرده اند، هر کدام و یکی پس از دیگری به زاییده های بورژوازی و جنبش های بورژوایی تبدیل و در حاشیه جامعه قرار گرفته اند.

این بهترین نمونه و شاخص

واقعی و دال بر حقانیت حکمت در پافشاری بر کمونیسم کارگران و حزب کمونیستی طبقه کارگر، حزب قدرت سیاسی کارگران و انقلاب کارگری است.

تجربه انقلاب ۵۷ ایران، بهار عربی و تحولات منطقه و جهان بیش از پیش این واقعیت را اثبات کرده است که طبقه کارگر بدون کمونیسم و بدون تحزب کمونیستی اش به جایی نمی رسد. و مبارزات و اعتراضات انسان امروز علیه تبعیض و ستم و بی حقوقی و فقر و فساد بدون حضور قدرتمند طبقه کارگر و حزب کمونیست اش یکی پس از دیگری شکست می خورند.

تجارب مبارزه طبقاتی یک قرن اخیر و عروج مارکسیسم، لنین و تجربه انقلاب اکتبر، حکمت و تجربه انقلاب ۵۷ ایران و عروج مجدد کمونیسم کارگری حکمت در شرایط تاریخی جهان امروز، همگی به عینه نشان داده اند که تغییر جهان به تعبیر مارکس امکانپذیر است. که کمونیسم در ایران می تواند پیروز شود.

شکست خوردگان و تاریخ شان در هر دوره تلاش کرده اند مارکسیسم را بی اعتبار و یا دور از دسترس، انقلاب اکتبر را اراده گرایی و خشونت و کمونیسم کارگری حکمت را اتوپی و غیر عملی جلوه دهند. بخصوص در این دوره، طیف واپسگرایی و نا انقلابیون از مارکسیست های علنی طیف رییس دانهها تا جریاناتی که عملاً به حکمت پشت کرده اند و منتظران استحاله جمهوری اسلامی تا گروه ها و محافل و منفردین چپ تلاش می کنند تا شانس خود را بدون حکمت و در کنار و آغوش جنبش های بورژوایی اصلاحات و سبز و ملی گرایی و با تکیه بر آلترناتیوسازی های بورژوازی غرب و آمریکا، ... امتحان کنند. ←

کابوس ...

• اگر کنترل دست امام است!

دیدنی است که چگونه همه جناحها در انتظار دخالت یک دست قدرتمند در صحنه له له میزنند. حتی تندروترین جناحها از سیاست نرمش مادامکه منجر به سکوت مردم شود شکایتی ندارند. همزمان دوز معینی از دخالت کنترل حجاب، بهم زدن جلسات توسط حزب الله و اعدام در ملاء عام رضایت خاطر آنها حتی در زمینه مذاکره با امریکا را فراهم میآورد.

• وقت خریدن، جناحها مختلف

کل آن جامعه از سران رژیم، دولت، جناحهای مختلف آن، طبقه بورژوا و طبقه کارگر با یک حرکت "خط قرمز" دبرینه

بدون حکمت ...

جای تاسف است که این کار را بخشی از چپ در ابعاد جهانی زیر پرچم و سایه مارکس و بخصوص در ایران به نام منصور حکمت انجام می دهند. این علاوه بر مضرات و خاک پاشیدنش به چشم طبقه کارگر و کارگران کمونیست، اما خود نشانه اهمیت و اعتبار و اتوریته مارکسیسم و کمونیسم کارگری حکمت است.

صمیمانه و قاطعانه باید گفت که هر گونه پیروزی و پیشروی کارگران کمونیست در ایران و کارگران سوسیالیست و آژیتاتورهای کارگری و همه مارکسیست های واقعی در گرو این است که به افق و سیاستهای حکمت و کمونیسم کارگری اش دست یابند. مارکسیسم و کمونیسم و انقلابیگری و افق کارگری و کمونیستی در این دوره بدون تئوری، سیاست ها و

حکومت را پشت سر گذاشتند. در این میان دو مورد را باید بخاطر سپرد. مورد اول؛ تو گویی آگاهانه و نقشه مند ارث "جامعه بی طبقه توحیدی" به احمق ترین فرزند طبقه حاکم سپرده شد. این داستان در همان زمان خمینی با به گلوله بستن کارگران اعتصابی و با قانون کار اسلامی در جنین خفه شده بود. اما حمل این پرچم توسط آقا سید احمد برای انبساط خاطر تاریخی ضرری ندارد.

مورد دوم، در احساسات سرخوردگی در رابطه با فکت شیت مذاکرات لوزان اصرار نمایندگان "شیر دل" را بجز با یک پوزخند همراهی کرد. این نمایندگان مستقیم و غیر مستقیم به نود درصد مفاد منتشر شده مذاکره بعد از دو ماه یک کلمه اعتراض نداشته اند، مابقی مفاد مذاکرات به چه

پراتیک انقلابی و ادبیات کمونیسم کارگری حکمت در این دوره هیچ گونه شانسی پیروزی ندارد. این وظیفه بر دوش حکمتیست های این دوره است که طبقه کارگر را به کمونیسم کارگری حکمت مسلح کنند، این کمونیسم را ابزار مبارزه طبقه کارگر کنند و در دل اعتراضات و مبارزات و اعتصابات گسترده کارگری در ایران، اتحاد توده ای و تحزب کمونیستی طبقه کارگر را بنیان گذارند.

منصور حکمت پیشروی کمونیسم و مارکسیسم در این دوره را در گرو این دانست که موانع متعدد پیش پای مبارزه طبقاتی کارگران را یکی پس از دیگری بردارد. از جمله زدن و حاشیه ای کردن موانعی چون کمونیسم روسی، مائوئیسم، پوپولیسم و خلق گرایی و توهم به بورژوازی ملی و مترقی که نمونه هایش را در شیفتگی چپ این دوره به جنبش اصلاحات

دردشان میخورد؟ آیا واقعا حضرات بخاطر مصوبات گهربارشان در شکوفایی اقتصادی کارگران مورد حمایت قرار بگیرند؟ آیا واقعا خود را حاصل حق دمکراتیک ملی مردم زحمتکش میدانند؟! گلایه دارید چرا امام به شما محل نمیگذارد، تشریف ببرید، کاری که خوب بلدید، از ایشان دلجویی نمایید! اما در کشمکشهای جدی اجتماعی خیلی سریعتر از آنچه که فکرش را میشد کرد، تقابل میان دولت و کارگران بر سر معاش به صدر و مرکز تقابلهای اجتماعی رانده شد. مردم زحمتکش در تجربه خود لمس کرده اند که چگونه همه بیرقهای رژیم از حمله به سفارت امریکا، محاصره اقتصادی، کشمکش هسته ای تا سیاستهای منطقه ای؛ یکی پس از دیگری برای کارگر جامعه

وسیز و استحاله جمهوری اسلامی و یا سرنگونی آن با اتکا به این جنبش ها دیدیم. حکمت قاطعانه علیه شعبات گوناگون کمونیسم غیرکارگری و غیر دخالتگر و گروه فشار و در حاشیه جامعه ایستاد.

حکمت برپایی جنبش مجامع عمومی کارگری را راه حل و عملی ترین شکل ممکن اتحاد کارگری و عروج طبقه کارگر به مثابه طبقه واحد و کمیته های کمونیستی کارخانه را برای اتحاد کارگران کمونیست و رهبران عملی کارگران و ایجاد پایه های تحزب کمونیستی طبقه کارگر حیاتی و ضروری و غیر قابل صرف نظر دانست.

امروز، تحقق این امر حیاتی بر عهده حکمتیست های درون و بیرون طبقه کارگر افتاده است. و این کار بدون حکمت شدنی نیست. بدون دستیابی به برنامه دنیای بهتر، به سیاستها و افق کمونیستی کارگری حکمت در همه سطوح فکری، سیاسی،

محرومیت و برای بالایی ها ثروت بجا گذاشته است. گویی همان مردم تصمیم دارند اینبار مهر خواستههای خود را به روند مذاکرات امریکا بکوبند.

هیئت مذاکرات شاید بتواند در دور دوم مذاکرات هسته ای از جانب قدرت بالای جناحهای رژیم زیر قراردادهای را امضا کند. این هیئت شاید بتواند خیابانهای خالی از "مرگ بر اسرائیل" را بمثابة قدرت کنترل بر نیروهای خود را برخ بکشد. اما سیاست مدارا، کج دار و مریز، وعده و تملق نسبت به صف کارگران در همین مدت را نمیتواند پنهان کند.

راستی، تصمیم مذاکره و قرارداد صلح برای دولت دشوارتر بود و یا تصمیم اجازه راهپیمایی اول مه؟ انهم اجازه به شورای اسلامی و نه به سندیکای هفت تپه!

روش های عملی و پراتیکی و بویژه مندولوژی حکمت ممکن نیست.

شیخ مارکس بر فراز سر جوامع بشری امروز در گشت و گذار است. مارکسیست های واقعی این دوره اگر بخواهند بدانند که کجای کارزار فکری و سیاسی و عملی برای تغییر مورد نظر مارکس ایستاده اند، بی نیاز از حکمت نخواهند بود. اگر مارکسیسم و مبارزه طبقاتی اش را کوهی مرتفع در مقابل بورژوازی با تمام قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و تبلیغات ارتجاعی و فریبکارانه و سرکوبگریهای بیرحمانه اش بنامیم، در جهان امروز حکمت بر قله آن ایستاده است.

شماره ۶۵ حزب حکمت  
حکمت

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com